



جمهوری اسلامی ایران

وزارت امور اقتصادی و دارایی

شورای عالی مبارزه با پولشویی

مرکز اطلاعات مالی و مبارزه با پولشویی



سوء استفاده از شرکت برای مقاصد نامشروع و غیرقانونی



بخش اول:

محدوده و ابزارهای سوء استفاده از انواع شرکتها برای مقاصد غیرقانونی

فهرست

بخش اول:

محدوده و ابزارهای سوء استفاده از انواع شرکتها برای مقاصد غیرقانونی

۶.....	مقدمه.....
۸.....	میزان سوء استفاده از شرکتها برای مقاصد غیرقانونی.....
۸.....	انواع شرکتها در معرض سوء استفاده.....
۹.....	شرکتهای سهامی.....
۱۲.....	تراست ها.....
۱۵.....	بنگاهها.....
۱۵.....	مشارکت محدود و مشارکت با مسئولیت محدود.....
۱۷.....	مکانیزمهای ناشناس ماندن.....
۱۷.....	سهام بی نام.....
۱۹.....	سهامداران اسمی.....
۱۹.....	مدیران اسمی و مدیران شرکتی.....
۲۰.....	زنجیره های شرکتها.....
۲۱.....	واسطه ها.....
۲۲.....	انواع فعالیتها غیر قانونی انجام شده بواسطه شرکتها.....
۲۲.....	پولشویی.....
۲۳.....	رشوه/فساد.....
۲۳.....	پنهان کردن و استحقاق داراییها از طلبکاران و سایر اصحاب دعوی.....
۲۴.....	فعالتهای مالیاتی غیر قانونی.....
۲۵.....	خرید و فروش شخصی/کلاهبرداری داراییها/تغییر دارایی.....
۲۵.....	کلاهبرداری در بازار و دور زدن الزامات گزارش دهی و افشا.....
۲۶.....	نتیجه گیری.....

مطالعات موردی سوء استفاده از شرکها در مقاصد غیرقانونی

- ۳۰..... مطالعه موردی در زمینه پولشویی.....
- ۳۰..... - استفاده از طرح بازپرداخت وام برای پولشویی.....
- ۳۰..... مطالعه موردی در زمینه نقش شرکت های کاغذی یا پوسته ای برون مرزی در پولشویی.....
- ۳۱..... مطالعه موردی در زمینه رشوه و فساد.....
- ۳۱..... - پرونده فرمانده نظامی.....
- ۳۱..... - شرکت روسو و فروش کابل های غیر مجاز (گاردین بانک و تراست).....
- ۳۲..... مطالعه موردی در خصوص مخفی کردن دارایی ها از طلبکاران و شاکیان.....
- ۳۲..... - پرونده آلن بوند.....
- ۳۲..... مطالعه موردی در زمینه تخلفات و فرار مالیاتی.....
- ۳۲..... - استفاده از شرکت ها برای فرار مالیاتی.....
- ۳۳..... - صادرات به روسیه و فاکتور صادرات دوگانه (دوفاکتور).....
- ۳۳..... مطالعه موردی در زمینه تغییر شکل دارایی ها و کلاهبرداری.....
- ۳۳..... - روسیه، فرار سرمایه.....
- ۳۳..... - پرونده ساگاز.....
- ۳۴..... مطالعه موردی در زمینه دور زدن قانون وعدم اجرای الزامات افشاء و اظهار.....
- ۳۴..... - پرونده سیترون (شرکت سرمایه گذاری گلپتر).....

شرکتها، نهادهایی قانونی هستند که از طریق آنها فعالیت های متنوع و گسترده تجاری انجام و دارایی هایی نگهداری می شوند. شرکت ها پایه و اساس اغلب فعالیت های تجاری در اقتصاد مبتنی بر بازار هستند و به طور گسترده ای در شکوفایی و جهانی سازی که بیش از نیم قرن از آن می گذرد سهیم بوده اند. امروزه گردش سریع سرمایه های شخصی، ایده ها، فناوری، و کالاها و خدمات در هر سطحی با شرکتها سر و کار دارد. اگرچه شرکتها نقش اساسی در نظام اقتصاد جهانی دارند، اما ممکن است این نهاد ها، تحت شرایط خاصی، در مقاصد غیر قانونی از قبیل پولشویی، رشوه خواری/فساد، پنهان کردن و مخفی کردن دارایی ها از دسترس طلبکاران، فعالیت های مالیاتی غیر قانونی، خرید و فروش شخصی/کلاهبرداری دارایی ها/ تغییر دارایی ها، تقلب در بازار، دور زدن الزامات گزارش دهی و سایر رفتار های غیر قانونی مورد سوء استفاده قرار گیرند.

در سال های اخیر، برخی از مجامع بین المللی به دنبال بررسی میزان تاثیر سوء استفاده از شرکتها برای مقاصد غیر قانونی بر سیستم مالی جهانی، بوده اند. در دهه گذشته، گروه کاری اقدام مالی (FATF)^۱، به نقش شرکتها در برنامه های پولشویی اشاره نموده است. به طور مشابه، کار گروه مربوط به رشوه خواری در معاملات تجاری بین المللی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)^۲، دریافته است که سوء استفاده از شرکتها در مراکز مالی برون مرزی می تواند مانع موفقیت تحقیقات مبارزه با رشوه خواری شود. OECD با تحقیق در زمینه نظارت بر شرکتها دریافته است که سوء استفاده از شرکتها می تواند در زمینه داد و ستد های شخصی نامناسب، دور زدن مقررات، و دستکاری در بازار سهام باشد. سایر مؤسسات و سازمان های بین المللی از جمله سازمان ملل متحد و کمیسیون اروپا نیز سوء استفاده مکرر از انواع شرکتها را در جرایم مالی و اقتصادی مشاهده کرده اند. از آن جا که احتمال سوء استفاده از سیستم مالی آزاد و جهانی که می تواند منجر به تخصیص اشتباه منابع

^۱ Financial Action Task Force

FATF یا گروه کاری اقدام مالی یک نهاد بین الدولی است که در سال ۱۹۸۹ شکل گرفت و مقر آن در پاریس – فرانسه است. هدف این گروه وضع استانداردها و ارتقای اجرای موثر قوانین و مقررات و نیز اقدامات عملیاتی به منظور مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم و دیگر تهدیدات مرتبط با نظام مالی بین المللی است. در حال حاضر این گروه از ۳۴ کشور عضو و ۲ سازمان منطقه ای تشکیل شده است.

^۲ Organisation for Economic Co-operation and Development

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD)، سازمانی بین المللی است که به عنوان یکی از تاثیرگذارترین نهادهای اقتصادی جهانی، مجمعی برای کشورهای همفکر به منظور بحث و بررسی، ایجاد و پالایش سیاستهای اقتصادی و اجتماعی آنها فراهم آورده است. توصیه این سازمان به اعضا به شکل موافقتنامه های الزام آور حقوقی همچون موافقتنامه های مربوط به مبارزه با رشوه و قانون جریان آزاد سرمایه و خدمات و یا از طریق سازوکارهای غیر الزام آور صورت می گیرد.

و افزایش خطر سیستمی گردد بسیار بالاست، مسئله سوء استفاده از شرکتها برای مقاصد غیر قانونی در دستور کار اول سیاست گذاران قرار گرفته است.



میزان سوء استفاده از شرکتها برای مقاصد غیر قانونی

تعیین دقیق میزان سوء استفاده از شرکتها برای مقاصد غیر قانونی بسیار مشکل است. با این وجود، گزارشها و بررسیها نشان می‌دهد که شرکتها به میزان بسیار زیادی در فعالیت‌های مجرمانه مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای مثال، بررسی اخیر انجام شده توسط کشور های عضو اتحادیه اروپا نشان داد که تقریباً هر فعالیت مجرمانه ای از قبیل جرائم اقتصادی، با به کارگیری اشخاص حقوقی سرو کار دارد. همچنین مقامات مالیاتی کشور های عضو OECD، نگرانی خود را از افزایش اشخاصی که از نهاد های شرکتی برای پنهان نمودن دارایی‌ها و فعالیت‌های خود به منظور فرار از مالیات قانونی مقرر استفاده می‌نمایند، ابراز نموده است. علاوه بر این، سازمان ملل ذکر نموده است که "شکل های اصلی سوء استفاده از رازداری، از حساب های بانکی شخصی به حساب های بانکی شرکتی و سپس تراست ها و سایر اشکال شرکت هایی که کمترین شناسایی در آنها اعمال می‌شود، تغییر مسیر داده است".^۱ به گفته FATF، شرکت های پوستره ای به طور مکرر برای تسهیل در رشوه خواری به کار می‌روند. طبق برآوردها، تخمین زده شده است که رشوه های پرداختی توسط شرکت های غربی برای به دست آوردن نفوذ و قراردادهای سالانه، معادل ۸۰ میلیارد دلار آمریکا می‌شود. در سال ۱۹۹۶ صندوق بین المللی پول (IMF)،^۱ برآورد کرده است که میزان پولشویی سالانه بین ۲ تا ۵ درصد تولید ناخالص داخلی در جهان و یا حدود ۶۰۰ میلیارد تا ۱.۵ تریلیارد دلار آمریکا می‌باشد.

انواع شرکتهای در معرض سوء استفاده

انواع شرکتهایی که بیشتر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرند آن هایی هستند که بیشترین درجه گمنامی را فراهم می‌آورند. شرکت های سهامی، تجاری بین المللی (IBCs)^۲ و شرکت های آزاد، تراست ها، و بنگاهای تاسیس شده در حوزه های قضایی که ارائه دهنده رازداری بالا و فاقد مکانیزم های موثر جهت امکان شناسایی مالکان حقیقی در حین انجام فعالیت غیر قانونی توسط مراجع قانونی هستند از نمونه این شرکتها می‌باشند. همچنین استفاده از این شرکتها می‌تواند تلاش های مؤسسه مالی را برای تطابق الزامات شناسایی مشتری مطابق با قوانین مبارزه با پولشویی، خنثی نماید.

^۱ International Monetary Fund

IMF یا صندوق بین المللی پول یک نهاد مستقل پولی است که در سال ۱۹۴۵ تشکیل شد. مقر آن در واشنگتن دی سی - آمریکا می‌باشد این صندوق از ۱۸۸ عضو تشکیل شده است و در راستای افزایش رشد و ثبات اقتصاد جهانی، ارتقای همکاری های پولی جهانی و کاهش فقر فعالیت می‌کند.

^۲ International business corporations

معمولا از چندین شرکت، از جمله شرکت های سهامی، تراست ها، بنگاه ها، و شراکت ها، برای به حداکثر رساندن گمنامی، با هم استفاده می شود. علاوه بر این، مرتکبان فعالیت های غیر قانونی، مکررا شرکت های متعددی را به کار می گیرند تا هر گونه تلاش مراجع قانونی برای کشف کنترل کننده و مالک ذینفع نهایی را خنثی نمایند.

این بخش به بررسی انواع شرکتهایی که بیشترین آسیب پذیری را در زمینه سوء استفاده قرار گرفتن در جهت مقاصد غیر قانونی دارند می پردازد.

• شرکت های سهامی

طبق تعریف مندرج در قانون تجارت، شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست. در شرکت سهامی تعداد شرکا نباید از سه نفر کمتر باشد.

شرکتهای سهامی به دو نوع تقسیم می شوند. نوع اول، شرکتهایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تامین می کنند. این گونه شرکتهای سهامی عام نامیده می شود. سهام شرکتهای سهامی عام در بورس قابل مبادله می باشند. نوع دوم شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تاسیس منحصرآ توسط مؤسسين تامین گردیده است. به این شرکتهای سهامی خاص گویند.

سرپرستی و نظارت بر شرکت سهامی، به هیئتی از مدیران و سهامدارانی که در مدیریت مستقیم شرکت سهامی دارای قدرت محدود می باشند، واگذار می گردد. یک شرکت سهامی از مدت زمان نامحدود و انتقال پذیری آزاد سهام برخوردار است. معمولا به سهامداران یک شرکت سهامی حمایت از تعهدات محدود اعطا می گردد بدین معنا که دارایی های شخصی آن ها توسط طلبکاران شرکت و سایر اصحاب دعوی قابل دسترسی نیست و در صورت دعوی طلبکاران، تنها ممکن است مبلغ سرمایه آنان از دست برود. با توجه به شخصیت حقوقی شرکت سهامی و توانایی آن در پنهان نمودن شناسایی مالکان حقیقی، مجرمان می توانند از آن در تسهیل اداره و مدیریت های مجرمانه و سایر تخلف از قانون سوء استفاده کنند.

در ادامه به اختصار به انواع شرکت های سهامی که در معرض سوء استفاده جهت مقاصد غیر قانونی آسیب پذیر هستند می پردازیم.

الف. شرکت های سهامی عام و خاص

در بسیاری از کشورها، شرکت ها به شرکت های سهامی عام (شرکت های دارای سهام و سرمایه مشترک) و شرکت های سهامی خاص (شرکت های محدود به سهام یا ضمانت) تقسیم بندی می شوند. تفاوت اصلی بین شرکت های سهامی خاص و عام این است که سهام یک شرکت سهامی عام آزادانه قابل انتقال می باشد و همچنین هیچ گونه محدودیتی در تعداد سهامداران در یک شرکت سهامی عام وجود ندارد. این دو ویژگی به طور کلی یک شرکت سهامی عام را قادر می سازد تا سهام با نام و بی نام صادر نماید و سهام خود را در مقیاس بزرگ به طور عمومی عرضه نموده و یا سهام خود را در بورس اوراق بهادار خرید و فروش نماید. شرکت های سهامی عام، در ازای چنین انعطاف پذیری، خود را تابع مقررات و نظارت سختگیرانه از جمله گزارش دهی و اطلاع رسانی مکرر و دقیق مالی و غیر مالی در سطح هیئت مدیره می نمایند.

در مقابل، شرکت های سهامی خاص ممکن است که فقط سهام با نام صادر نمایند، انتقال سهام خود را محدود نمایند، تعداد سهامداران را محدود کرده و سهام خود را در مقیاس بزرگ به طور عموم عرضه ننمایند. این محدودیت ها نیز بدین معناست که شرکت های سهامی خاص قادر نیستند سهام خود را در بورس اوراق بهادار خرید و فروش نمایند. در مقابل، شرکت های سهامی خاص با نظام نظارتی و قانونی کمتر سختگیرانه ای نسبت به شرکت های سهامی عام روبرو هستند. در بسیاری از کشورها، اکثر شرکت های سهامی از نوع شرکت های سهامی خاص هستند.

مطالعه انجام شده توسط واحد عملکرد و نوآوری دفتر هیئت دولت بریتانیا نشان می دهد که شرکت های پوسته ای بریتانیا تقریباً در تمام مجموعه طرح های پول شویی بریتانیا نقش دارند. اخیراً، شبکه انتظاماتی جرائم مالی آمریکا، شرکت های پوسته ای ثبت شده ی سهامی خاص آمریکایی که به طور غیر علنی به تجارت می پرداختند و در فعالیت های مشکوک حواله های الکترونیکی دست داشتند را شناسایی کرده است. ثابت شده است که شرکت های سهامی خاص هنگ کنگ نیز برای پولشویان جذاب به نظر می رسد چرا که این نهاد ها قادرند که از سهامداران و شرکت های سهامی اسمی و صوری به عنوان مدیران و کارمندان اداری استفاده نماید و آن ها را به صورت ظاهری به کار گیرد.

علاوه بر این، اخیراً در ایالات متحده و برخی دیگر از مراکز مالی برون مرزی یا OFC^۱ های دیگر، شرکت های با مسئولیت محدود (LLC^۲ ها) معرفی شده اند. در حالی که اکثریت LLC ها ممکن است به کار و کسب قانونی مشغول باشند، ممکن

^۱ Offshore Financial Centres

^۲ Limited Liability Company

است در مقابل سوء استفاده آسیب پذیر باشند چرا که آن ها به طور مستقل مدیریت می گردند و هیچ نوع گزارش دهی و اطلاع رسانی عمومی در مورد هویت اعضای آن وجود ندارد. با توجه به وجود طرح حفاظتی "حکم مطالبه"، LLC نیز به عنوان عاملی برای مغلوب کردن و یا حداقل به تاخیر انداختن مطالبات طلبکاران و سایر اصحاب دعوی می باشد. بر اساس حکم مطالبه، طلبکاری که رأی دادگاه را به نفع خود به دست آورده است، نمی تواند منافع و داراییهای موجود فرد را تهدید نماید. در نهایت، شرکت های سهامی عامی که سهامشان در بورس اوراق بهادار خرید و فروش نمی گردد نیز به سوء استفاده در جهت مقاصد غیر قانونی، آسیب پذیر هستند چرا که آن ها در بسیاری از کشورها اجازه صادر نمودن سهام بدون نام را دارند بدون این که مشمول الزامات قانونی سختگیرانه تری که بر شرکت های سهامی عام اعمال می شود، قرار گیرند.

ب) شرکت های تجاری بین المللی / شرکت های آزاد

شرکت های تجاری بین المللی (IBC ها) و شرکت های آزاد، شکل های اولیه شرکت های سهامی هستند که توسط افراد غیر مقیم به کار گرفته می شوند. هزینه های دادن مجوز به IBC ها و شرکت های آزاد، منبع درآمد مهمی برای بسیاری از کشورهایی است که این خدمات را به این شرکتها ارائه می دهند. به بیان دیگر IBC ها نهاد هایی با مسئولیت محدود و ثبت شده در یک مرکز مالی برون مرزی یا آفشور (OFC) هستند که می توانند برای مالکیت یا راه اندازی تجارت، صدور سهام یا اوراق قرضه و یا جمع آوری سرمایه به روش های دیگری مورد استفاده قرار گیرند. در برخی از OFC ها، IBC ها میتوانند فوراً و در قبال پرداخت کمتر از ۱۰۰ دلار آمریکا تاسیس گردند و معمولاً از تمام مالیات های داخلی، مالیات بر سود، مالیات عواید سرمایه و سایر درآمد ها از جمله تمبر، هدیه و سایر مالیات ها معاف می باشند. IBC ها اغلب از انجام تجارت در همان کشوری که در آن تاسیس شده اند و یا با افراد مقیم همان کشور محروم می شوند. علاوه بر این، آن ها اغلب مجاز به ارائه سهام خود به مردم نمی باشند. به طور کلی، IBC ها در گروه شرکت های سهامی خاص قرار می گیرند. شرکت های آزاد نیز بسیاری از ویژگی های IBC ها را دارا هستند.

IBC ها برای بسیاری از فعالیت های تجاری قانونی از قبیل مالکیت معنوی، انجام فعالیت های تجاری بین المللی، اخذ قانونی منافع معاهدات مالیاتی، و خدمت به عنوان یک شرکت مادر به کار می روند. در بسیاری از کشورها، IBC ها اجازه فعالیت در امور بانکی، بیمه، و سایر خدمات مالی را ندارند.

آسیب پذیری IBC ها در مقابل سوء استفاده برای مقاصد غیر قانونی، به میزان قابل توجه به مشخصه های "گمنامی" (ناشناس ماندن) و نظام نظارتی که مشمول آن هستند بستگی دارد. در بسیاری از OFC ها، ممکن است IBC ها سهام بی نام صادر نمایند و برای پنهان نمودن مالکیت و نظارت ذینفع، سهامداران و مدیران اسمی (صوری) را به کار گیرند. IBC

ها اغلب در معرض کمترین نظارت و یا فاقد هر نوع نظارتی می باشند، و هیچ نوع الزامی برای ضبط و بایگانی عواید سالانه یا حساب های سالانه ندارند. در مقابل، برخی از OFC ها، استفاده از سهام بی نام را برای آن ها ممنوع نموده و یا این که در صورت داشتن اجازه استفاده از سهام بی نام، آن ها را ملزم به اطلاع دهی و گزارش دادن اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع به مراجع ذی ربط می نمایند. در برخی از کشورها، مراجع ذی ربط همچنین به بررسی دقیق صلاحیت متقاضیان IBC ها (از جمله مالکان ذینفع) می پردازند. با این حال، با توجه به این واقعیت که IBC ها مجاز به انجام هیچ گونه فعالیت تجاری در کشوری که در آن تاسیس شده اند و یا با افراد مقیم در آن کشور نمی باشند، مراجع قانونی در آن کشور ممکن است انگیزه کمتری برای انجام نظارت دقیق داشته باشد. چنین عدم تمایلی ممکن است این شرکتها را در معرض سوء استفاده برای مقاصد غیر قانونی از جمله استفاده به عنوان شرکت های پوسته ای به منظور پنهان کردن هویت مالکان ذینفع، قرار دهد.

در بسیاری از OFC ها، نظام های متفاوت و مجزایی برای شرکت های سهامی بومی و غیر بومی وجود دارد. در بعضی از این کشورها، شرکت های بومی مجاز به استفاده از سهام بی نام نیستند و مشمول بررسی های نظارتی بیشتر و دقیق تر می شوند از جمله الزام به ثبت و بایگانی عواید سالانه که به آن فهرستی از سهامداران و اطلاعات مربوط به مدیران و کارکنان ضمیمه شده باشد. در مقابل، IBC ها و یا شرکت های آزاد ممکن است سهام بی نام صادر کنند و ملزم به ثبت و بایگانی عواید سالانه یا گزارش دهی و اطلاع رسانی در مورد مالکیت ذینفع نباشند. به طور خلاصه، ترکیبی از گمنام ماندن و کم بودن یا نبودن نظارت، IBC ها و شرکت های آزاد را بیشتر مستعد سوء استفاده می نماید.

• تراست ها (مدیریت های امانی)

تراست یک شرکت مهم، کاربردی و قانونی برای انتقال و مدیریت دارایی ها است. تراست ها مکانیزم های موثری برای مدیریت دارایی های داده شده به افراد زیر سن قانونی، افراد ناتوان، و دیگر افرادی که به هر دلیلی در مدیریت مالی بی تجربه هستند، فراهم می آورند. همچنین تراست ها می توانند برای پیشبرد اهداف خیریه و برنامه ریزی املاک به کار گرفته شوند. علاوه بر برنامه ریزی شخصی و مالی، تراست ها به طور فزاینده ای برای سازمان دادن به تراکنش های یک شرکت مانند برنامه های اوراق بهادار، برنامه های مزایای کارمندان مانند طرح های بازنشستگی، طرح گزینه بورس بین المللی کارمندان، و ساختار های پاداش ها مورد استفاده قرار می گیرد.

تراست شرکتی است که تفکیک بین مالکیت قانونی و مالکیت ذینفع را فراهم می آورد. برای تاسیس یک تراست، موسس تراست، مالکیت قانونی مالی را به شخص یا یک شرکت (مدیر امانی یا Trustee)، انتقال می دهد. مدیر امانی، اموال را مطابق

با مفاد سند اعتماد، به نفع ذینفعانی که در سند اعتماد قابل شناسایی یا اثبات می باشند، نگهداری و مدیریت می کند. برای ایجاد یک تراست معتبر، لازم است موسس تراست از نظارت و مدیریت دارایی هایی که به مدیر امانی انتقال داده است، دست بکشد. در عوض، مدیر امانی موظف است شرایط سند اعتماد را رعایت نماید و دارای وظیفه امانتی است تا صادقانه و با حسن نیت در جهت بهترین سود برای ذینفعان و در صورت عدم وجود نام ذینفعان در جهت بهترین سود برای تراست عمل نماید. به طور رایج، تراست ها مشمول محدودیت زمانی می باشند، شرایط تراست ثابت است، و مدیران امانی نمی تواند بدون چالش قانونی عزل گردند. در نهایت، تراست های سنتی فقط می توانستند برای اشخاص یا خیریه ها سود داشته باشد و نمی توانستند برای به تاخیر انداختن، مانع شدن و یا فریب دادن طلبکاران مورد استفاده قرار گیرد.

با این حال، تراست ها نیز همانند انواع دیگر شرکتها می توانند مورد سوء استفاده در جهت مقاصد غیر قانونی قرار گیرند. بخشی از جذابیت تراست ها برای مورد سوء استفاده قرار گرفتن در این واقعیت نهفته است که تراست ها نسبت به سایر شرکتها، از میزان بالاتر حریم خصوصی و استقلال برخوردارند. با توجه به ماهیت خصوصی تراست ها و این واقعیت که یک تراست اساساً یک توافق قراردادی بین دو شخص می باشد، کشورهایی که تراست را به رسمیت شناخته اند، عمدهً برای تراست ها در مقایسه با سایر شرکتها از جمله شرکت های سهامی، تنظیم مقررات ننموده اند. همچنین بر خلاف شرکت های سهامی، هیچ گونه الزام به ثبت یا ثبت مرکزی و هیچ نوع پرداخت هزینه سرپرستی تراست ها به مراجع قانونی، وجود ندارد. در بسیاری از کشورها، سندهای اعتماد تراست های خیریه، توسط دادستان کل یا یک مرجع قانونی معادل آن، اعمال قانون می شود. در برخی از کشورها نیز، هیچ گونه اطلاع رسانی و گزارش دهی در مورد هویت ذینفع یا موسس تراست به مراجع قانونی انجام نمی گردد.

یکی از اشکال سوء استفاده از تراست ها، پنهان نمودن دارایی ها از مراجع مالیاتی، طلبکاران، همسران سابق، و سایر اصحاب دعوی و یا پنهان نمودن هویت مالک ذینفع دارایی ها می باشد. تراست ها اغلب لایه نهایی از گمنامی را برای کسانی که به دنبال پنهان نمودن هویت خود هستند، ایجاد می نمایند. همچنین تراست ها می توانند در مراحل لایه گذاری و یکپارچه سازی پولشویی مورد سوء استفاده قرار گیرند. (جهت کسب جزئیات بیشتر به جزوه عمومی مراجعه شود).

علاوه بر این، ممکن است از تراست ها برای ارتکاب کلاهبرداری استفاده شود. برای مثال، مؤسسی که تلاش می کند از مالیات فرار کند، ممکن است دارایی های خود را به یک تراست انتقال دهد و سپس به دروغ ادعا نماید که دارایی های خود را واگذار نموده است. مؤسس برای ایجاد چنین نمایی، همه تشریفات لازم برای ایجاد یک تراست معتبر مانند ایجاد یک تراست غیر قابل فسخ، انتصاب شخص سوم امین، و عدم نامگذاری خود به عنوان ذینفع در سند اعتماد، را دنبال خواهد نمود. با این

حال، با وجود پیوستن به الزامات رسمی قانونی، مؤسس ها می توانند از طریق استفاده از برگه شروط و خواسته ها و فرد حامی همچنان اعمال کنترل نمایند. برگه شروط و خواسته ها، که اغلب همراه با تراست های اختیاری است، خواسته های مؤسس در ارتباط با نحوه انجام دلخواه وظایف توسط مدیر امانی را تنظیم می نماید و او باید دستورالعمل های مؤسس را بپذیرد. در حالی که برگه شروط و خواسته ها از نظر قانونی برای مدیر امانی الزام آور نمی باشد اما معمولاً امین، خواسته های بیان شده در این برگه را دنبال می نماید. برای اطمینان از این که مدیر امانی مطابق با سند اعتماد (و برگه شروط و خواسته ها) عمل نماید، قوانین تراست در بسیاری از کشورها، فردی را به عنوان "حامی" که باید نامش در سند اعتماد آورده شود، در نظر می گیرد. فرد حامی توسط مؤسس انتخاب می گردد و اغلب یک دوست قابل اعتماد یا مشاور مؤسس می باشد. در حالی که فرد حامی ممکن است مدیر امانی را مجبور به انجام کارها به نفع ذینفع خاصی ننماید اما می تواند مدیر امانی دیگری را در هر زمانی و به هر دلیلی جایگزین نماید. در نتیجه، مدیر امانی که پایبند به سند اعتماد و برگه شروط و خواسته ها نباشد، می تواند به سرعت جایگزین گردد.

در روش دیگر، مؤسس ممکن است دارایی ها را به یک تراست برون مرزی انتقال دهد تا بدین وسیله آن ها را از دسترسی طلبکاران و سایر اصحاب دعوی دور نگه دارد. هنگامی که دارایی ها به یک تراست برون مرزی منتقل شود، تعیین مکان آن ها و شناسایی صاحبان ذینفع آن ها بسیار دشوار می شود. حتی اگر دارایی های تراست پیدا شود، طلبکاران برای بر گرداندن دارایی ها به کشور، باید متحمل زمان و هزینه بسیار زیادی گردند.

توانایی استفاده از تراست ها برای پنهان کردن هویت و انجام کلاهبرداری، تغییرات شگرفی را در سال های اخیر در قوانین تراست برخی از کشورها به وجود آورده است. اصلاحیه قانون تراست، به طور معمول، اجازه می دهد که سند اعتماد دارای "شروط فرار" باشد بدین معنی که در مواقع خطر دارایی های تراست و اطلاعات مربوط به تراست به کشور دیگری منتقل شود و مدیر امانی (هیأت امنای) جدیدی منصوب شود.

در حالی که تراست ها همواره برای محافظت دارایی ها از دست طلبکاران و سایر اصحاب دعوی مورد توجه بوده اند، برخی از کشورها از جمله بسیاری از OFC ها و چندین ایالت آمریکا، "تراست های محافظت از دارایی ها" را که از دارایی ها در مقابل طلبکاران محافظت زیادی می کند، ارائه نموده اند. تراست های خاصی که به طرق دیگر نا معتبر باشند خیریه تلقی می شوند، و مؤسس می تواند ذینفع نیز باشد و کنترل و نظارت بر تراست داشته باشد. علاوه بر این، نه قضاوت های خارجی و نه قوانین اجرایی وراثت خارجی هیچکدام به رسمیت شناخته نمی شوند. در آخر، انتقال دارایی به تراست، اگر قبل از اقدام قانونی طلبکار و یا دو سال بعد از اقدام قانونی طلبکار انجام شده باشد، کلاهبرداری تلقی نمی شود.

• بنگاه ها

یک بنگاه، یک نهاد قانونی مجزایی است که هیچ مالک یا سهامداری ندارد و متشکل از اموالی است که انتقال یافته است تا هدف خاصی را برآورده سازد. بنگاه ها معمولاً توسط یک هیئت مدیره مدیریت می شوند. برخی از کشورها مانند بلژیک و لهستان، بنگاه ها را محدود به اهداف عمومی (بنگاه های عمومی) می کنند در حالی که کشورهای دیگر، مانند اتریش، دانمارک، آلمان، یونان، ایتالیا، ایسلند، لیختن اشتاین، هلند، آنتیل هلند، پاناما، و سوئیس اجازه می دهند که بنگاه ها برای اهداف شخصی (بنگاه های شخصی) تاسیس گردند. در بسیاری از کشورها، بنگاه ها ممکن است در فعالیت های تجاری شرکت کنند.

معمولاً، بنگاه ها دارای قوانینی می باشند که آنان را ملزم به ثبت در مراجع قانونی، ضبط و بایگانی سالانه اظهارات مالی، و کنترل توسط مراجع دولتی می نمایند. علاوه بر این، تمهیداتی برای حصول اطمینان از این که یک بنگاه به اندازه کافی مستقل از مؤسس خود عمل می کند، وجود دارد.

احتمال مورد سوء استفاده قرار گرفتن یک بنگاه زمانی افزایش می یابد که مقررات یا نظارت کافی بر بنگاه ها وجود نداشته باشد و یا این که مؤسسان مجاز به اعمال کنترل محدودی بر بنگاه ها باشند.

در برخی از OFC ها، بنگاه ها تحت نظارت قرار نمی گیرند، گزارش دهی های بسیار کمی لازم است، مؤسسان مجاز به اعمال کنترل بر روی بنگاه می باشند و درجه بالایی از گمنامی ارائه می گردد. برای مثال در پاناما، رضایت و مجوز دولتی برای تاسیس بنگاه وجود ندارد و هیچ نوع نهاد دولتی که بر بنگاه ها نظارت نماید وجود ندارد. علاوه بر این، لازم نیست مدارک بنگاه ها شامل هویت ذینفعان (که می تواند شامل خود مؤسس نیز گردد) به طور عمومی ثبت گردد و نیازی نیست که بنگاه، گزارش و یا حساب های سالانه ارائه نماید. مؤسس نیز می تواند از یک نماینده برای تاسیس بنگاه استفاده نماید تا بدین ترتیب اطمینان حاصل نماید که هویتش آشکار نمی گردد.

• مشارکت محدود و مشارکت با مسئولیت محدود

مشارکت، اجتماع دو یا چند نفر یا نهاد برای انجام فعالیت های تجاری می باشد. مشارکت های سنتی در مقایسه با شرکت های سهامی، نهاد هایی هستند که در آن حداقل یکی از شرکا (در صورت مشارکت با مسئولیت محدود) یا همه آنان (در صورت مشارکت با مسئولیت نامحدود) مسئولیت نامحدودی برای تعهدات شراکت دارند. در یک مشارکت با مسئولیت محدود، شرکای

محدود، از تعهدات محدودی برخوردار می شوند و به طور فعال در تصمیمات مدیریتی شرکت نمی کنند. در سال های اخیر، برخی از کشورها، مشارکت با مسئولیت محدود (LLP)^۱ را عرضه نموده اند که به موجب آن تمام شرکا، صرف نظر از میزان درگیر بودن آن ها در مدیریت شراکت، دارای مسئولیت محدود می باشند. شراکت ها برای اهداف مالیاتی، شرکت های دارای جریان تلقی می شوند که اجازه می دهند سود و زیان در سطح شرکا، تعیین و مشمول مالیات گردد.

باید توجه نمود که معمولاً مشارکت های سنتی برای سازمان دادن به روابط تجاری خصوصی مورد استفاده قرار می گیرد که یک یا تعدادی از شرکا، دارای مسئولیت نامحدود می باشند. چنین شراکتهایی معمولاً کمتر از شرکت های سهامی دارای قانون هستند. مقررات کمتر، برای شراکت ها، ساختارهای انعطاف پذیرتری را فراهم می آورد. به طور کلی، به نظر نمی رسد از شراکت ها به میزان یکسانی نسبت به سایر شرکتهای سوء استفاده گردد.

مشارکت های با مسئولیت محدود باید به منظور بهره مندی شرکا از مسئولیت محدود ثبت گردد. در حالی که در بسیاری از کشورها، در یک مشارکت محدود لازم است نام شرکای با مسئولیت محدود و نامحدود ثبت گردد، در کشورهای دیگر فقط ثبت نام شرکای با مسئولیت نامحدود نیاز است. در برخی از کشورها، افراد یا شرکت های سهامی ممکن است به عنوان شرکای با مسئولیت نامحدود باشند. در بعضی از کشورها، شرکای با مسئولیت محدود به طور عمومی ثبت نام نمی گردند و به آن ها اجازه داده می شود در تصمیمات مدیریتی تاثیر گذار باشند مانند ایفای نقش به عنوان کارمند اداری، مدیر و یا سهامدار یک شریک با مسئولیت نامحدود شرکت سهامی و مشاوره دادن به شرکای با مسئولیت نامحدود در امور تجاری شراکت بدون از دست دادن موقعیت مسئولیت محدود خود و یا الزام به ثبت نام در مراجع قانونی. ترکیبی از گمنامی همراه با توانایی اعمال نفوذ در تصمیمات مدیریتی می تواند این نوع شراکت های محدود را نسبت به سوء استفاده برای مقاصد غیر قانونی آسیب پذیر نماید.

LLP ها باید در مراجع ذی صلاح ثبت گردند و شرکا در یک LLP از حفاظت و حمایت مسئولیت محدود بهره مند می گردند و آن ها شخصاً مسئول سهل انگاری، اعمال کارهای غیر قانونی یا سوء رفتار و غفلت، و یا اعمال کارهای غیر قانونی یا سوء رفتار کسانی که به طور مستقیم تحت نظارت و کنترل آن ها هستند، می باشند.

با توجه به وجود طرح حفاظتی "حکم مطالبه"، از مشارکت های با مسئولیت محدود و LLP ها می توان برای شکست و یا حداقل به تاخیر انداختن توانایی رأی دادگاه در مورد ادعای طلبکار در دارایی های بدهکار، استفاده نمود. بر اساس حکم مطالبه، طلبکاری که رأی دادگاه را به نفع خود و بر علیه یکی از افراد شریک در مشارکت ها به دست آورده است، نمی تواند

^۱ Limited Liability Partnership

منافع آن فرد شریک را در شراکت و یا دارایی های خاصی را که او به شراکت انتقال داده است، مسدود نماید. در عوض، طلبکار فقط مجاز است که "حکم مطالبه" را در منافع آن فرد که دارای شراکت است، قرار دهد به طوری که منافعی که در آینده از شراکت برای آن فرد به دست آید به طلبکار داده خواهد شد. اما به هر حال، طلبکار نمی تواند شراکت را مجبور نماید که طلب او را بدهد و اگر شراکت این کار را انجام ندهد (سناریوی بسیار محتمل در مواقعی که فرد بدهکار شراکتی را اداره می نماید)، طلبکار نمی تواند طلب خود را بگیرد. علاوه بر این، طلبکاری که حکم مطالبه را به دست آورده است، ممکن است مشمول مالیات گردد چرا که او یک فرد جایگزین در شراکت محسوب شده و باید برای سهم حاصل از منافع شراکت بدهکار، حتی اگر هیچ گونه پرداختی انجام نگیرد، مالیات پرداخت نماید.

مکانیزم های ناشناس ماندن

توانایی در پنهان نمودن هویت کسانی که می خواهند فعالیت های غیر قانونی را از طریق استفاده از شرکتها انجام دهند، بسیار مهم است. در حالی که هر یک از شرکتها که در بالا توضیح داده شدند، درجه ای از گمنامی و ناشناس بودن "طبیعی" را برای مالکان ذینفع خود فراهم می آورند، گمنامی و ناشناس ماندن می تواند از طریق استفاده از مکانیزم های متعددی، از جمله سهام بی نام، سهامداران اسمی و مدیران اسمی به دست آید. هر چند این مکانیزم ها برای انجام اهداف قانونی تدبیر شده اند اما می توانند برای پنهان کردن هویت مالکان ذینفع از چشم مراجع مسئول نیز مورد سوء استفاده قرار گیرند. همچنین از این ابزارها با هم، می توان برای به حداکثر رساندن گمنامی استفاده نمود. ابزار های اولیه مورد استفاده برای به دست آوردن گمنامی به شرح زیر است:

(1) سهام بی نام

سهام بی نام، ابزار قابل معامله ای هستند که طی آن توافق می شود که مالکیت یک شرکت سهامی به فردی که دارای گواهی مالکیت سهام بی نام است، برسد. به عبارت دیگر، فردی که به طور فیزیکی دارای گواهی مالکیت سهام بی نام است، به طور قانونی سهامدار شرکت سهامی که چنین سهام بی نامی را صادر نموده است تلقی شده و از تمام حقوق یک سهامدار برخوردار می گردد. در سهام بی نام، نام سهامدار ثبت نمی گردد و فقط دارای یک شماره سریال می باشند. سهام بی نام با تحویل گواهی مالکیت سهام بی نام انتقال می یابند، در حالی که سهام ثبت شده (دارای نام) توسط اسناد کتبی انتقال می یابند. بر این اساس، سهام بی نام سطح بالایی از گمنامی و انتقال آسان را فراهم می آورند.

حقوق صاحبان سهام بی نام ناشی از ورقه سهم است که به صرف قبض، قابل انتقال به دیگری است و هیچگونه تشریفات دیگری برای اعتبار انتقال آن ضرورت ندارد.

در برخی از کشورها، سهام بی نام، استفاده رایج و قانونی دارد از جمله برای تسهیل انتقال سهام و اجتناب از هزینه های مربوط به انتقال سهام با نام (پول تمبر، هزینه های دفتر خانه اسناد رسمی، هزینه پرینت گواهی مالکیت سهام جدید و غیره). اما به هر حال، در بعضی از کشورها و در برخی از شرایط سطح بالای گمنامی را که سهام بی نام ایجاد می کنند سبب مطلوبیت آن برای اهداف مجرمانه (از قبیل پولشویی، فرار مالیاتی و سایر فعالیت های غیر قانونی)، می شود. سهام دارای نام در بسیاری از کشورها (اما نه همه کشورها)، مجاز می باشد. در بسیاری از کشورهای قاره اروپا، شرکت های سهامی عام مجاز به صادر کردن سهام بی نام می باشند اما شرکت های سهامی خاص مجاز به انجام چنین کاری نیستند.

وجود سهام بی نام موجبات نقل و انتقال سهام شرکت از طریق انتقال فیزیکی از شخصی به شخصی دیگر را فراهم می سازد. گروه کاری اقدام مالی (FATF)، اسناد در وجه حامل را ابزاری مناسب برای پولشویی می داند زیرا این اموال می توانند بدون جاگذاشتن هرگونه نشان و ردپا و بدون آنکه مالکیت سهام مشخص باشد، نقل و انتقال پیدا می کنند و این شرکتها را هر چه بیشتر مستعد سوء استفاده در جهت مقاصد غیر قانونی نماید. برای مثال، شرکت هایی که سهام بی نام صادر می نمایند معمولاً از نگهداری ثبت آن سهام معاف می شوند. این امر دسترسی به میزان اطلاعات مورد نیاز مراجع قانونی را کاهش می دهد.

برخی از کشورهایی که مجوز صدور سهام بی نام را می دهند، اقداماتی را برای مقابله با خطرات ناشی از سهام بی نام، ایجاد نموده اند. برای مثال در فرانسه، هلند و اسپانیا، دارنده سهام بی نام باید در شرکت یا مراجع قانونی مسئول ثبت نام نماید تا از حق رای استفاده نماید و سود سهام را دریافت نماید.

برخی از کشورها به دلیل قابلیت سهام بی نام در پنهان نمودن مالک ذینفع یک شرکت سهامی، صدور آن را ممنوع نموده اند. در بخش خصوصی نیز پیش بینی ها و اقداماتی برای تحت کنترل درآوردن سوء استفاده از سهام بی نام انجام شده است. به خصوص قانون مبارزه با پولشویی تا اندازه ای مؤسسات واسطه خاصی را ملزم می کند تا مشتریان خود و به خصوص ارباب رجوع های مظنون را که بر استفاده از سهام بی نام اصرار می ورزند شناسایی نمایند. برخی از شرکت های ارائه دهنده خدمات، سهام بی نام ارباب رجوع های خود را، بدون انتقال و ثابت نگه می دارند تا اطمینان حاصل نمایند که چنین سهامی متعاقباً بدون اطلاع آن ها انتقال نمی یابد.

۲) سهامداران اسمی

سهامداران اسمی در بسیاری از کشورها بکار گرفته می شوند. سهامداران اسمی کسانی هستند که به صورت حرفی قبول سرمایه گذاری می کنند و اطلاعات سرمایه گذاری در اختیارشان قرار می گیرد تا تصمیم گیری نمایند. به عبارت دیگر سهامدار اسمی کسی است که ظاهراً صاحب سهام شرکت به شمار می رود ولی مالک واقعی سهام، شخص یا اشخاص دیگری هستند. استفاده از سهامداران اسمی، ممکن است به سوء استفاده بیانجامد. بسیاری از کشورها شرکت های سهامی را ملزم به نگهداری ثبت نام های سهامداران و بایگانی عواید سالانه که شامل لیستی از اطلاعات سهامداران و مدیران است می نمایند. اما به هر صورت استفاده از نماینده ها، سودمندی ثبت نام سهامداران یا لیست سهامداران را کاهش می دهد چرا که سهامداری که نام او ثبت شده است ممکن است مالک نهایی نباشد.

بسیاری از کشورهایی که سهامداران اسمی را مورد استفاده قرار داده اند، روش های تحقیقاتی بکار می گیرند تا به هویت مالکان ذینفع پی ببرند (مانند پرسش از نگهدارنده سوابق و مدارک ثبتی). در بریتانیا، بخش ۲۱۲ از قانون شرکت ها، سال ۱۹۵۸، برای شرکت ها دستورالعملی را فراهم می آورد که مالکان سهام خود را شناسایی کنند. مطابق این بخش از قانون، هر شرکت می تواند از نماینده بخواهد تا هویت مالک ذینفع را شناسایی نماید. اگر فرد نماینده از این کار اجتناب کرد، آن شرکت می تواند تحریم هایی را، از قبیل معلق نمودن حق رأی، ندادن سود سهام، یا عدم پذیرش ثبت نام هر نوع انتقال سهام های بعدی، به کار گیرد.

۳) مدیران اسمی و مدیران شرکتی

مدیر اسمی مدیری است که منافع مدیریت را می برد ولی مسئولیت را به شخص دیگری واگذار کرده است.

مدیران اسمی و شرکت های سهامی که به عنوان مدیر عمل می نمایند ("مدیران شرکتی")، می توانند برای پنهان نمودن هویت مالک ذینفع، مورد سوء استفاده قرار گیرند و استفاده از آن ها سبب می شود اطلاعات گزارش داده شده درباره مدیر به دفتر ثبت شرکت ها مفید واقع نشود. نمایندگان اسمی که در تمام اسناد شرکت و دفتر ثبت رسمی، به عنوان مدیر به حساب می آیند، تمام وظایف لازم یک مدیر را به مالک ذینفع شرکت واگذار می نمایند. در بسیاری از کشورها، لازم نیست مدیر اسمی یا شرکتی مالک سهام شرکتی باشد که او به عنوان مدیر آن عمل می نماید.

برخی از کشورها مدیران اسمی را به رسمیت نمی شناسند. در نتیجه، فردی که مدیریت و ریاست را می پذیرد، حتی با وجود این که به عنوان نماینده عمل می کند، مشمول تمام الزامات و تعهدات یک مدیر، از جمله تعهدات امانی، می گردد. عدم به رسمیت شناختن مدیر اسمی یک مزیت غیر مستقیم دارد. آن دسته از افرادی که مدیران متخصص و خبره هستند، پیگیری های بیشتری انجام می دهند تا مطمئن شوند که ارباب رجوع آن ها (همان مالک ذینفع)، از شرکتها برای مقاصد غیر قانونی سوء استفاده نکنند. در هلند آنتیل که مدیران اسمی به رسمیت شناخته نمی شوند، شرکت های تراست معتبر و معروفی که از آن ها درخواست می شود به عنوان مدیران اسمی عمل نمایند، بررسی های زیادی را در مورد سوابق و گذشته ارباب رجوع هایشان انجام می دهند و اگر شرکت های سهامی از آن ها درخواست نمایند، آن ها بر عدم انتقال سهام (ثابت نگهداشتن گردش سهام) به عنوان شرط مدیریت تاکید می کنند.

مدیران "شرکتی" در بسیاری از کشورها استفاده می شوند. برخی از کشورها از قبیل استرالیا، دانمارک، مجارستان، ایرلند، جرسی، پاناما و سوئیس به شرکت های سهامی اجازه نمی دهند که به عنوان مدیر عمل نمایند در حالی که سایر کشورها از قبیل هلند، بریتانیا و بسیاری از OFC ها مدیر "شرکتی" را به رسمیت می شناسند. اگر نظام قانونی نتواند در رابطه با رفتار غیر قانونی شرکت سهامی، به موقع و به طور موثر مسئولیت های مدیر را به افراد حقیقی واگذار نماید، مدیران شرکتی ممکن است بستر و امکانی برای سوء استفاده از شرکتها باشند.

۴) زنجیره های شرکتها

مرتکبان فعالیت های غیر قانونی مکررا زنجیره ای از شرکتها، که هر کدام در قلمرو و کشورهای مختلف (به خصوص آن دسته از کشورهایی که اطلاعات مربوط به مالکیت ذینفع در آن نگهداری، اخذ و به اشتراک گذاشته نمی شود) تاسیس شده باشد، را به کار می برند تا گمنامی و ناشناس ماندن را به حداکثر برسانند و ردیابی مالکیت ذینفع را برای مراجع قانونی مسئول، دشوار سازند.

۵) واسطه‌ها - عامل‌های تاسیس شرکت‌ها، شرکت‌های تراست، وکلا، مدیران امانی (Trustee)، و سایر افراد

متخصص

واسطه‌ها، مانند عامل‌های تاسیس شرکت‌ها، شرکت‌های تراست، وکلا، مدیران امانی، و سایر افراد متخصص، نقش مهمی در شکل‌گیری و مدیریت شرکتها در بسیاری از OFC‌ها بازی می‌کنند. اگرچه چنین واسطه‌هایی در کشور های درون مرزی (Onshore) وجود دارند اما نقش کم‌اهمیت‌تری نسبت به هم‌مرتب‌ه‌های برون مرزی (Offshore) خود دارند. علاوه بر این، واسطه‌ها در OFC‌ها اغلب نقش کلیدی و مهمی در پنهان ساختن هویت مالکان ذینفع شرکتها، بازی می‌کنند.

شرکت‌های سهامی ارائه‌دهنده‌ی خدمات، مرتباً ساختارهایی را طراحی می‌کنند تا اطمینان حاصل نمایند که مالک ذینفع ناشناس و گمنام باقی می‌ماند و اغلب بین ارباب رجوع و مراجع قانونی در قلمرو کشور آن شرکت، به عنوان واسطه عمل می‌کند. علاوه بر این، آن‌ها مرتباً سهامداران اسمی و مدیران اسمی فراهم می‌آورند تا اسامی مالکان ذینفع در هیچ کدام از مدارک ثبتی رسمی و شرکتی، ظاهر نگردد. واسطه‌های دیگر، از قبیل بانک‌های خصوصی که ارزش خالص بالایی را برای اشخاص فراهم می‌آورند، نیز نهادهایی تاسیس کرده‌اند که به ارباب رجوع‌های خود در پنهان‌سازی هویت خود کمک می‌رسانند.

طبق قانون بسیاری از کشورها، مؤسسات مالی و اعتباری الزامی به احراز هویت ارباب رجوعی که توسط یک واسطه (مانند یک وکیل، سر دفتردار، یا شرکت مجوز دار ارائه‌دهنده خدمات) به آنها معرفی و ارجاع داده شده است و آن واسطه اظهار داشته است که هویت آن ارباب رجوع را تعیین نموده است ندارند.

در این کشورها، اغلب از واسطه‌ها برای دایر کردن حساب‌های بانکی استفاده می‌شود تا مالک ذینفع را قادر سازد تا گمنام و ناشناس باقی بماند. حتی زمانی که مطابق قانون، معافیت ارائه نشده باشد ممکن است برخی از مؤسسات مالی، هنگامی که یک واسطه، ضمانت ارباب رجوع را می‌کند، شناسایی مستقل و دقیقی را انجام ندهند، در نتیجه اجازه می‌دهند ارباب رجوع مورد شناسایی واقع نشود.

مدیران امانی نیز نقش مهمی در پنهان نمودن هویت مالک ذینفع بازی می‌کنند. در برخی از کشورها، که یک تراست دارنده سهام شرکت می‌باشد، مدیر امانی، به عنوان نگهدارنده سوابق و مدارک ثبتی بوده و الزامی به اعلام و گزارش دادن اینکه او به عنوان مدیر امانی، دارنده سهام است، وجود ندارد. این امر می‌تواند مراجع قانونی را گمراه نماید و این طور به نظر برسد که مدیر امانی همان مالک حقیقی سهام می‌باشد.

وکلا، سر دفترداران، و سایر افراد دارای امتیاز رازداری شغلی، واسطه های مطلوب و جذابی هستند چرا که در برخی اوقات، هویت ارباب رجوع آنان حفظ می شود. در برخی از کشورها، قانون به چنین وکلا و سر دفتردارانی اجازه می دهد شواهد لازم را به مراجع قانونی اعلام نکنند، حتی زمانی که این افراد متخصص به صورت غیر قانونی عمل کرده باشند نیز چنین حقی محفوظ است. بعضی از کشورها برون مرزی این امتیاز را به شرکت های مدیریتی نیز تعمیم می دهند.

انواع فعالیت های غیر قانونی انجام شده بواسطه شرکتهای

این بخش، انواع اصلی فعالیت های غیر قانونی انجام شده از طریق استفاده از شرکتهای را مورد بررسی قرار می دهد.

(۱) پولشویی

اساس پولشویی این است که مجرمین نیاز دارند که منشا پول های بدست آمده از جرم را پنهان نمایند تا بتوانند از ضبط شدن آن ها جلوگیری کرده و راحت تر از آن استفاده نمایند. پولشویی فرایندی است که طی آن عواید به دست آمده از فعالیت های غیر قانونی دستخوش تغییر و به اصطلاح ("شسته") می شود تا در پایان فرایند شستشو، به نظر برسد که عواید موجود از فعالیت های قانونی به دست آمده است. بطور کلی، پولشویی آخرین مرحله از ارتکاب فعالیت غیر قانونی می باشد. تخلفات اساسی که نیاز زیادی به پولشویی دارند شامل قاچاق انسان و مواد مخدر، اخاذی، رشوه خواری، قاچاق اعضای بدن کلاهبرداری از کارت اعتباری، فعالیت های غیر قانونی مالیاتی، آدم ربایی، دستکاری در بازار، و ... می باشد.

به گفته گروه کاری اقدام مالی (FATF)، پولشویی متشکل از سه مرحله ی : جایگذاری (وارد کردن منافع غیرقانونی به سیستم مالی قانونی یا قاچاق آن به خارج از کشور)، لایه گذاری (جدا سازی عواید از منبع آن از طریق یک سری تراکنش و یکپارچه سازی (وارد نمودن مجدد وجوه پولشویی شده به اقتصاد) می باشد. در تمامی این سه مرحله، شرکتهای می توانند مورد سوء استفاده قرار گیرند. (جهت جزئیات بیشتر به جزوه عمومی مراجعه شود).

تقریباً همه جرائم دارای منفعت، منتهی به پولشویی می شود. پولشویی می تواند در هر کشوری روی دهد ولیکن پولشویان ترجیح می دهند از کشورهایی استفاده کنند که در آنها ردیابی و کشف منشا پول دشوار می باشد. قوانین شدید رازداری، نظام های کنترلی و نظارتی آسان و وجود شرکتهای دارای ویژگی های ناشناس ماندن غیر قابل نفوذ، در برخی از OFC ها، پولشویان را به این کشورها جذب می کند. به خصوص از IBC های تاسیس شده در برخی از کشورها مرتباً برای پولشویی استفاده می شود زیرا آنان لایه ی غیر قابل نفوذی از حفاظت به دور مالکیت دارایی ها فراهم می آورند. در ضمن، ثبات

اقتصادی، اقتصاد بزرگ، و پیچیدگی بخش های خدمات مالی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته نیز این کشورها و شرکتها آن ها را نسبت به پولشویی آسیب پذیر می کند.

پولشویی مکررا همراه با استفاده از شرکتها هم در قلمرو درون مرزی (Onshore) و هم برون مرزی (Offshore) می باشد. برای مثال، منافع به دست آمده از فعالیت غیر قانونی در یک قلمرو درون مرزی (Onshore) به یک حساب بانکی برون مرزی (Offshore) باز شده به نام یک شرکت سهامی تاسیس شده در یک OFC انتقال می یابد. سپس وجوه از تعدادی از قلمروهای درون مرزی و برون مرزی جا به جا می شود، مجددا، برای ایجاد فاصله بین وجوه و منشاء غیر قانونی، وجوه از طریق استفاده از شرکتها جا به جا می گردد. در آخر، برای بازگرداندن پول به کشور، یک شرکت داخلی برای "قرض گرفتن" پول از تاسیس می شود.

پولشویان برای مشروعیت بخشیدن به پولهای خود و کاهش خطر کشف و ردیابی، به دنبال بهره برداری از شرکت هایی هستند که روابط بانکی با مراکز مالی خارجی دارند. این واحدهای تجاری، دلایل و توجیه معتبری برای سطح واریزها و نقل و انتقال های بین مرزی دارند. بهره برداری از تجارخانه های تاسیس شده نیز برای پولشویان مطلوب است چرا که برخی از کشورها که اخیرا الزامات شناسایی مشتری را اجرا می نمایند، ارباب رجوع های سابق را از این امر معاف می دارند

برخی از فعالیت های غیر قانونی تا حدودی با پولشویی درگیر هستند که در ادامه هر کدام به صورت جداگانه مورد بحث قرار می گیرد تا تصویر واضحی از انواع فعالیت هایی که از طریق سوء استفاده از شرکتها روی می دهد را فراهم آورد.

۲) رشوه/فساد

شرکتها می توانند در رشوه/فساد مورد سوء استفاده قرار گیرند. به گفته FATF، رشوه دهندگان و رشوه گیرندگان مکررا از شرکت های پوسته ای و نماینده ها برای تسهیل تراکنش های غیر قانونی خود سوء استفاده می کنند. بنگاه ها و تراست ها نیز به کرات برای رشوه و فساد، مورد سوء استفاده قرار می گیرند.

۳) پنهان کردن و استحفاظ دارایی ها از طلبکاران و سایر اصحاب دعوی

از شرکتها می توان برای پنهان نمودن و حفاظت از دارایی ها در مقابل طلبکاران و سایر اصحاب دعوی، از جمله همسر، ورثه و مراجع مالیاتی، سوء استفاده کرد. از گمنامی که توسط برخی از انواع شرکتها فراهم آورده می شود می توان در پنهان نمودن وجوه یا مالکیت دارایی ها بهره برد تا آن ها را از دسترس طلبکاران و سایر اصحاب دعوی حفظ کرد. برای مثال، در برخی از نمونه های ورشکستگی های بانکی اشخاص، وجوه به تدریج از طریق شرکت های پوسته ای و تراست های تاسیس شده در

کشورهای دیگر، که ردیابی مالکیت ذینفع آن بسیار دشوار است، از یک کشور بیرون کشیده می شود. در برخی از کشورها که تراست ها دارای سهام شرکت می باشند، مدیر امانی نگه دارنده مدارک ثبتی می باشد و ملزم به اعلام و اطلاع دادن این امر که او به عنوان مدیر امانی، دارنده سهام نیز هست، نمی باشد.

از تراست ها، به خصوص تراست های حفاظت کننده دارایی ها، نیز می توان برای حفاظت از دارایی ها در مقابل طلبکاران و سایر اصحاب دعوی، سوء استفاده نمود. مؤسس هایی که دارایی ها را برای دوری از طلبکاران و سایر اصحاب دعوی به تراست منتقل می نمایند، به دنبال این هستند که تظاهر نمایند که آن ها دیگر مالکیت و یا کنترلی روی دارایی های منتقل شده ندارند. در این روش، دارایی های منتقل شده به دست طلبکاران نخواهد رسید. به هر صورت، اگرچه مؤسس ممکن است تمام الزامات رسمی را برای ایجاد یک تراست معتبر پیگیری نماید، اما به طور مخفیانه از طریق برگه شروط و خواسته ها، بر روی تراست و مدیر امانی، اعمال کنترل می نماید.

۴) فعالیت های مالیاتی غیر قانونی

فعالیت های مالیاتی غیر قانونی، مانند کمین کردن برای سود، فاکتور های مضاعف، سوء استفاده های قیمت گذاری نقل و انتقال و تغییر درآمد می تواند از طریق استفاده از شرکت های سهامی و تراست های تاسیس شده در کشورهای خارج از حوزه شرکت انجام گردد. مرکز خدمات درآمد داخلی امریکا اظهار کرده است که استفاده از تراست ها و شرکت های سهامی OFC برای طرح های فرار مالیاتی به علت دشواری ردیابی مالکان ذینفع، افزایش یافته است.

فرایندهای بیشماری برای ارتکاب فعالیت های مالیاتی غیر قانونی می تواند صورت پذیرد. برای مثال، مالیات دهنده ای که می خواهد درآمد تجارت داخلی را تغییر دهد می تواند شرکتی در یک کشور خارجی تاسیس نماید تا فاکتور های جعلی را برای تجارت داخلی مالیات دهنده صادر نماید. مالیات دهنده پرداخت های انجام شده در فاکتور های جعلی را به عنوان مخارج، ثبت و گزارش می دهد تا منافع تجارتي که باید گزارش دهد و مهمتر از آن مالیات، کاهش یابد.

پس از این که دارایی ها در خارج از کشور پنهان شد، مکانیزم هایی برای دسترسی به چنین وجوهی طرح ریزی می گردد. "بازگرداندن به میهن" می تواند از طریق یک شرکت انجام گردد. برای مثال، اگر نقل و انتقال دارایی ها در ابتدا با استفاده از یک تراست خارجی انجام شده است، تراست می تواند پس از آن وجوه را به حساب بانکی یک شرکت سهامی بی نام انتقال دهد که آن شرکت نیز بعد از آن وامی به مالیات دهنده پرداخت می نماید. استفاده از سهام بی نام و سایر ابزار های افزایش دهنده گمنامی، اثبات تقلبی بودن چنین وامی را برای مراجع مالیاتی دشوار می نماید.

همان گونه که قبلاً بحث شد، افراد ممکن است از طریق تراست، تلاش در پنهان نمودن وجود دارایی و درآمد از چشم مراجع مالیاتی نمایند. علاوه بر این، از تراست ها می توان به صورت کلاهبردانه (تراست ساختگی) برای فریب دادن مراجع مالیاتی استفاده نمود که این طور به نظر برسد که انتقال واقعی داراییها انجام شده است در حالی که در حقیقت کنترل مؤسس روی دارایی ها باقی می ماند.

۵) خرید و فروش شخصی/ کلاهبرداری دارایی ها/ تغییر دارایی ها

شرکتها، ممکن است توسط افرادی که به خرید و فروش شخصی دارایی ها و کلاهبرداری از دارایی ها می پردازند، مورد سوء استفاده قرار گیرند. استفاده از شرکتها، ممکن است نمایی از قانونی بودن را را برای یک تراکنش نادرست میان طرف های مربوطه در یک شرکت سهامی، فراهم آورد (برای مثال در معاملات). به خصوص استفاده از سهام بی نام و مدیران اسمی، اثبات این امر که تراکنشی به منزله خرید و فروش شخصی دارایی ها و یا تغییر غیر قانونی دارایی ها است را برای مراجع قانونی، مشکل می سازد.

این سوء استفاده ها، به خصوص در اقتصاد های در حال گذر، از جمله روسیه، دیده می شود. یک مفسر اشاره نموده است که "تقریباً هر بنگاه اقتصادی روسیه، چه بزرگ و چه کوچک، توسط شرکت های 'مستقلی' که توسط مدیران و یا خانواده های آنها تاسیس شده است، احاطه شده و در بسیاری از موارد، قرارداد های خرید و فروش کالا، از طریق این شرکت ها پایه ریزی می شود و منافع غیر قانونی توسط بنگاه اقتصادی اصلی جمع آوری می گردد". بخش قابل توجهی از این فعالیت ها و سایر فعالیت های غیر قانونی، که منجر به فرار میلیارد ها دلار سرمایه و خارج شدن جریان پول از روسیه می شود، از طریق شرکتهای تاسیس شده ی خارجی انجام شده است. علاوه بر این، استفاده از شرکتها به منظور خرید و فروش شخصی، در برخی از کشورهای آسیایی رایج می باشد.

۶) کلاهبرداری در بازار و دور زدن الزامات گزارش دهی و افشا

در کنار سایر انواع فعالیت های غیر قانونی، از شرکتها می توان برای تقلب در بازار و دور زدن الزامات گزارش دهی و افشا، سوء استفاده نمود. برای مثال، کارمندان داخلی شرکت های تجاری عام، از طریق استفاده از شرکت های تاسیس شده در کشورهای خارجی، قادر به سوء استفاده از دسترسی خود به جزئیات و اطلاعات غیر عمومی می باشند تا خرید و فروش غیر قانونی سهام انجام دهند. اخیراً، مراجع قانونی ایتالیا، استفاده مکرر از نهاد های شرکتی تاسیس شده در کشور هایی که در آنها ردیابی مالکیت ذینفع خرید و فروش های داخلی، مشکل است را مشاهده نموده است. همچنین، افراد قادر هستند از گمنامی و

ناشناس ماندن که توسط شرکتهای فراهم می شود، سوء استفاده نمایند. به طور خاص، مجرمان ممکن است از نهاد های شرکتی برای انتشار اطلاعات نادرست یا گمراه کننده به منظور انحراف قیمت ها در بازار و یا انجام فعالیت های خرید و فروش متقلبانه برای افزایش مصنوعی قیمت های سهام استفاده نمایند. در نهایت، افراد ممکن است از الزامات گزارش دهی داشتن سهام بالاتر از سقف مقرر (برای مثال ۵ درصد یا ۱۰ درصد از سهام معوق) با تقسیم آن سهام بین گروهی از شرکتهای، به طوری که هر شرکت کمتر از سقف مقرر سهام داشته باشد، سر باز زنند.

نتیجه گیری

در بررسی شرکتهای، لازم است به هر دو قلمرو و حوزه درون مرزی و برون مرزی پرداخته شود. به سه دلیل بر مراکز مالی برون مرزی (OFCs) تمرکز بیشتری می شود. اولاً، برخی از قلمروهای برون مرزی، رازداری بیش از حدی را برای شرکتهای فراهم می آورند و محیط مساعدی را برای سوء استفاده از آن ها در جهت مقاصد غیر قانونی ایجاد می نمایند. دوماً، تعداد زیادی از شرکت های تاسیس شده در برخی از OFC ها را شرکت های پوسته ای (Shell Companies) تشکیل می دهند که با توجه به عملکرد آن ها، به صورت فزاینده ای در معرض سوء استفاده برای مقاصد غیر قانونی قرار می باشند. سوماً، تعداد دیگری از قلمروهای برون مرزی (آفشور)، نظام هایی تخصصی، پیچیده و بسیار قوی را برای به دست آوردن و به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد مالکیت و نظارت ذینفع ایجاد نموده اند و با تلاش های زیادی را برای تقویت سیستم های کنترلی، نظارتی و قانونی خود به منظور محدود کردن سوء استفاده از شرکتهای در مقاصد غیر قانونی به کار برده است.

در واقع، اگر هر کشور، سازو کارهایی را فراهم کند که طی آن اشخاص بتوانند هویت خود را به راحتی پشت یک شرکتها پنهان نمایند و از سوی دیگر ظرفیت مراجع قانونی را برای به دست آوردن و به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد مالکیت و نظارت ذینفع برای اجرای مقاصد کنترلی، نظارتی و قانونی بیش از حد محدود کند، آسیب پذیری شرکتهای خود را برای سوء استفاده افزایش می دهد. برخی از کشورها به شرکتهای تاسیس شده در حوزه قضایی خود اجازه می دهند تا از ابزارهایی برای پنهان و مخفی نمودن مالکیت و نظارت ذینفع بدون تدبیر مکانیزم های موثری که بتواند مراجع را در شناسایی مالکان و گردانندگان اصلی فعالیت های غیرقانونی مشکوک توانا سازد و یا مسئولیت های کنترلی، نظارتی و قانونی آن ها را تکمیل نماید، استفاده نمایند (از قبیل سهام های بی نام، سهامداران اسمی (صوری)، مدیران اسمی (صوری)، مدیران شرکت ها، شروط فرار و برگه شروط و خواسته ها) برخی از این کشورها، قانون گذاری و نظارت بیشتری را با استفاده از ایجاد قوانین سخت بانکی و رازداری شرکت ها به وجود می آورند و از افشاء هر گونه اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع به مراجع نظارت کننده ی مجری قانون، جلوگیری می کنند. چنین کشورهایی باید دقت لازم را اعمال نمایند تا مزایای چنین

فعالیت هایی از هزینه های آنها بیشتر باشد و یا اینکه حتی اگر اجازه این قبیل فعالیت ها را می دهند تحت شرایط خاص و محدودی باشد.

به منظور مبارزه موفقیت آمیز و جلوگیری از سوء استفاده از شرکتها برای مقاصد غیر قانونی، ضروری است که تمام کشورها، مکانیزم های موثری را ایجاد نمایند که مراجع قانونی را قادر می سازد تا به موقع، اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع شرکتها را تاسیس شده در کشور خود را برای تحقیقات و بررسی فعالیت های غیر قانونی، اجرای عملکرد های کنترلی/ نظارتی، و به اشتراک گذاشتن چنین اطلاعاتی با سایر مراجع داخلی و بین المللی، به دست آورند. این امر مستلزم پایبندی به سه هدف اساسی (اهداف بنیادین) می باشد: (۱) اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع باید توسط مراجع قانونی نگهداری و در دسترس باشد. (۲) نظارت مناسب و یکپارچگی زیاد در هر سیستم برای حفظ و به دست آوردن اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع باید وجود داشته باشد. (۳) اطلاعات غیر عمومی در مورد مالکیت و نظارت ذینفع باید به منظور انجام تحقیقات و بررسی فعالیت های غیر قانونی و اجرای عملکرد های کنترلی/ نظارتی مطابق اصول قانون اساسی هر کشور، با سایر ناظران، سرپرستان و مقامات مجری قانون داخلی و بین المللی به اشتراک گذاشته شود. علاوه بر این، مطلوب است که سیاستگذاران در هر کشور راه هایی را ایجاد نمایند تا امکان دسترسی مراجع قانونی ذی صلاح به اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع فراهم گردد و الزامات شناسایی دقیق مشتری (شناسایی مشتری) طبق قوانین مبارزه با پولشویی تطبیق داده شود.

مکانیزم های به دست آوردن اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع، به سه دسته تقسیم بندی می شوند: (۱) استناد اولیه به افشاء و گزارش دهی پیشاپیش (upfront) به مراجع قانونی. (۲) استناد اولیه به واسطه هایی که در تاسیس و مدیریت شرکتها ("شرکت های ارائه دهنده خدمات") دخیل هستند (مانند: عاملان تاسیس شرکت ها، شرکت های تراست، عاملان ثبت شده، وکلا، دفترداران، مدیران امانی (Trustees) و شرکت های فراهم آورنده سهامدارن، مدیران و کارمندان اسمی (صوری)) تا اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع ("گزینه واسطه") را حفظ و نگهداری نمایند. (۳) استناد اولیه به سیستم تحقیقاتی. هر کشور به شرط پایبندی کامل به اهداف اساسی که در بالا بحث گردید ممکن است این سه گزینه را برای متناسب نمودن شرایط محلی، نظام های حقوقی و اقدامات خود سازمان دهی نموده یا با هم ترکیب نماید.

انتخاب سیستم افشاء و گزارش دهی پیشاپیش (upfront)، به معنای ضرورت افشای گسترده اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع به مراجع قانونی در مرحله تاسیس، و الزام در به روز سازی چنین اطلاعاتی در صورت تغییر می باشد. مورد دوم حاکی از آن است، شرکت های ارائه دهنده خدمات، ملزم به دریافت، تایید صحت و حفظ سوابق مربوط به مالکیت و نظارت

ذینفع شرکتی که تاسیس، اداره و یا به آن ها خدمات امنی ارائه می دهند، می باشند و باید به مراجع قانونی اجازه دسترسی به چنین پرونده و سوابقی را به منظور تحقیقات و بررسی فعالیت های غیر قانونی و اجرای عملکرد های کنترلی/ نظارتی بدهند.

و در اخر استناد اولیه به سیستم تحقیقاتی به معنای استناد اولیه به قوه قهریه، احضاریه های صادره از دادگاه، و اقدامات دیگر برای نفوذ به نهاد های قانونی برای شناسایی مالکان ذینفع در هنگامی که مظنون به فعالیت های غیر قانونی هستند، می باشد. تحت هر شرایطی، ضروری است که مراجع قانونی در هر کشور، با توجه به اصول قانون اساسی خود، ظرفیت به اشتراک گذاشتن اطلاعات در مورد مالکیت و نظارت ذینفع شرکتها، با سایر کشورها را داشته باشند.

اگرچه گزینه های متعددی برای به دست آوردن اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع وجود دارد اما همه این گزینه ها برای همه کشورها مناسب نمی باشند. استناد اولیه به سیستم افشاء و گزارش دهی پیشاپیش (upfront) در کشورهایی می تواند مناسب باشد که: (۱) سیستم کاملا ضعیف تحقیقاتی دارند (۲) دارای نسبت زیادی از مالکیت غیر مقیم شرکتها (به ویژه آن هایی که متعلق به افراد یا شرکت های پوسته ای است) می باشند. (۳) دارای نسبت زیادی از شرکت های پوسته ای یا شرکت های صاحب دارایی می باشند. و (۴) دارای ابزارهای افزایش دهنده گمنامی و ناشناس ماندن می باشند. استناد اولیه به واسطه ها می تواند در کشورهایی مناسب باشد که (۱) دارای مکانیزم تحقیقاتی کافی برای کنترل میزان تطابق مطلوب و موثر توسط شرکت های ارائه دهنده خدمات همراه با تعهد آن ها برای کسب اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع باشند، و (۲) دارای تعداد کافی شرکت های ارائه دهنده خدمات با تجربیات مناسب و منابع کافی برای جمع آوری و نگهداری اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع باشند. در نهایت، استناد اولیه به مکانیزم تحقیقاتی می تواند در کشورهایی مناسب باشد که (۱) مراجع قانونی دارای ظرفیت و قدرت قهری و اختیارات لازم برای به دست آوردن اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع باشند. (۲) سابقه اجرایی قابل اعتمادی داشته باشند. (۳) سیستم قضایی آن ها به طور کارا و موثری عمل نماید. و (۴) احتمال دسترسی به اطلاعات مربوط به مالکیت و نظارت ذینفع در خود کشور وجود داشته باشد.

به دلیل اینکه گزینه های به دست آوردن اطلاعات در مورد مالکیت و نظارت ذینفع تا حد زیادی مکمل هم هستند، کشورهایی که عمدتا بسته به شرایط خاص خود به گزینه خاصی اتکا می نمایند، تلفیق این مکانیزم را با سایر گزینه ها مطلوب تر می یابند.



۱. مطالعه موردی در زمینه پولشویی

- استفاده از طرح بازپرداخت وام برای پولشویی

یک مجرم هلندی میزان زیادی از مواد مخدر اکستازی (XTC) را تولید و سپس به قصد فروش به انگلستان منتقل می کند. عواید حاصل از فروش آن حدود یک میلیون پوند انگلیس به صورت اسکناس هایی با مبالغ پایین می باشد. با وجود الزامات گزارش دهی معاملات مشکوک در بانک های انگلیس، این پول مجدداً از همان مسیری که مواد مخدر وارد کشور شد به هلند قاچاق گردید. این حجم بالای پوند توجه زیادی را در کشور هلند جلب می کند و اگر در بانک های هلندی نیز سپرده گذاری شود مشمول الزامات گزارش دهی معاملات مشکوک خواهد شد بنابراین این پول ها به کشور دیگری که فاقد الزامات گزارش دهی است یا اینگونه الزامات در آن اجرا نمی شوند منتقل می شود (بهشت رازداری). در ابتدا پول به بانکی در یکی از کشورهای اروپای شرقی منتقل شده و در آنجا به دلار آمریکا تبدیل می شود و به حساب یک شرکت محلی با سهام بی نام که از یک واسطه خریداری شده واریز می گردد. از فاکتور جعلی (حق مدیریت در آن ذکر شده بود) برای انتقال الکترونیکی پول به حساب یک شرکت سرمایه گذاری کارائیبی خارج از کشور واقع در آنتیل هلند استفاده شده بود. سهام بی نام این شرکت برون مرزی توسط یک شرکت خارجی دیگر در پاناما اداره می شود و سهام بی نام شرکت دوم یا بعدی توسط یک وکیل محلی اداره می شود.

در این زمان مجرم هلندی یک شرکت با مسئولیت محدود یا شرکت سهامی را تاسیس می کند که شرکت سرمایه گذاری املاک و مستغلات نامیده می شد و خود او نیز مدیر و تنها سهامدار شرکت بود. هدف این شرکت دریافت پول به منظور خرید و اداره کردن املاک و مستغلات بود. شخص مجرم با شرکت سرمایه گذاری کارائیبی ارتباط برقرار می کند تا از این طریق بتواند برای شرکت خود (شرکت سرمایه گذاری املاک و مستغلات) مبلغی حدود یک میلیون پوند قرض بگیرد. با استفاده از این پول شرکت مذکور (سرمایه گذاری املاک و مستغلات) یک ساختمان اداری از جمله یک خانه خریداری می کند. از آنجایی که شخص مجرم مدیر شرکت به شمار می رفت بنابراین مدیریت ساختمان اداری را به عهده گرفته و در خانه خریداری شده زندگی می کرد و از ماشین گرانبه استفاده می نمود. ساختمان اداری به یک بنگاه تجاری اجاره داده شد. به جز پول بدست آمده از اجاره دفاتر، مدیر شرکت مذکور حقوقی بالایی نیز دریافت می کرد؛ باقی مانده پول برای بازپرداخت قرض استفاده شد. در واقع فرد مجرم به خودش پول قرض داده (غیرقانونی) و خود او مالک حقیقی شرکت سرمایه گذاری کارائیبی است.

۲. مطالعه موردی در زمینه نقش شرکت های کاغذی یا پوسته ای برون مرزی در پولشویی

در سالهای ۱۹۹۵/۱۹۹۶ مؤسسات مالی در برخی از کشورهای اروپایی تعدادی گزارش معاملات مشکوک را به واحد های اطلاعات مالی خود ارائه دادند. این گزارشات از شناسایی حجم بالایی پول نقد در بانک و تبدیل آن به حواله قابل پرداخت به یک شرکت کاغذی یا پوسته ای در آسیا خبر می داد. گزارش حاکی از این است که حدود ۱.۶ میلیون دلار به این شیوه انتقال یافته است. همزمان با این اتفاق، پلیس در حال بازجویی و تحقیق با یک گروه واردکننده مواد مخدر می باشد و در سال ۱۹۹۷ موفق به دستگیری برخی اشخاص از جمله شخص اصلی و رئیس که اداره شرکت در آسیا را به عهده دارد، شد. این اشخاص متهم به دست داشتن و توطئه در وارد کردن مقادیر بالایی از حشیش شدند. تحقیقات نشان داد که سرکرده این گروه از این طریق سود زیادی را به

دست آورده که البته بخش اعظم آن ردیابی شد. در کل حدود ۲ میلیون دلار از یک کشور اروپایی به یک کشور آسیایی فرستاده شد و سپس به حساب بانکی در اروپا منتقل شد که همان جا توقیف شد.

دو روش برای پولشویی مورد استفاده قرار گرفته است. سرکرده گروه یک شرکت پوسته ای یا کاغذی در آسیا تاسیس کرده که در آنجا از طریق یک شرکت ارائه دهنده خدمات اداری و مطابق دستورات و راهنمایی او فعالیت می کند. شرکت کاغذی یا پوسته ای یک حساب بانکی افتتاح می کند که به منظور دریافت حواله های بانکی برای نقد کردن در کشور مبدا. سرکرده گروه از سوی فرد دیگری که اونیز چندین شرکت را اداره می کند مورد کمک و حمایت قرار می گرفته است. این شرکت ها برای هر دو هدف قانونی و غیر قانونی فعالیت می کردند. شریک بخشی از پول ها را از طریق ارسال آنها به کشورهای مختلف و بدون حضور در بانک (دستور برداخت کامپیوتری از کشور مبدا) شستشو داد.

۳. مطالعه موردی در زمینه رشوه و فساد

- پرونده فرمانده نظامی

یکی از فرماندهان نظامی نیجریه متهم به سرقت ۴.۳ میلیارد دلار در مدت ۵ سال خدمت خود شد. قسمت اعظم این پول ها توسط پسران و شرکای تجاری او به خارج از نیجریه فرستاده می شد که این پول ها را به حساب یک شرکت پوششی از جمله شرکت هایی که توسط سیتی بانک تاسیس شده بود، سپرده گذاری می کردند. مبلغی در حدود یک میلیارد دلار آمریکا از طریق از قرارداد با شرکت های پوششی سرقت شد.

- شرکت روسو و فروش کابل های غیر مجاز (گاردین بانک و تراست)

این پرونده در خصوص استفاده از یک شرکت برون مرزی و حساب بانکی برای تسهیل پرداخت رشوه می باشد. شخصی به نام روسو مالک و در حال فعالیت در شرکتی است که فروشنده کابل های غیر قانونی تبدیل کننده است که به مصرف کنندگان این امکان را می دهد تا شبکه های پولی تلویزیون را به صورت رایگان تماشا کنند. تا آن زمان روسو کابل ها را از طریق سرقت یا حمله به کامیون ها و یا انبارها به دست می آورد. روسو به دو نفر از کارکنان شرکت تولیدکننده کابل پیشنهاد می دهد تا در ازای دریافت رشوه، کابل های مبدل را برای او تامین کنند. این کارکنان از بیم اینکه ممکن است با یک تبهکار ملاقات کرده باشند تمامی وقایع را به اداره تحقیقات فدرال (FBI) گزارش دادند، FBI نیز از قبل در خصوص سرقت کابل ها تحقیق می کرد و حتی یک شرکت در زمینه کابل های مبدل تاسیس کرده بود تا به عنوان طعمه برای به دام انداختن سارقان کابل از آن استفاده کند، از یکی از کارمندان می خواهد تا با روسو وارد معامله شود. وقتی معامله انجام شد روسو شروع به پرداخت رشو و به مبلغ ۱۰۰۰۰ در ماه کرد. در ابتدا پرداخت به صورت نقدی انجام می شد. سپس روسو تصمیم گرفت برای پرداخت رشو از یک شرکت کاغذی یا پوسته ای در جزایر کایمان استفاده کند. در سال ۱۹۹۴ روسو برای ملاقات با مدیر عامل بانک و تراست گاردین به جزایر کایمان سفر می کند در این ملاقات روسو از مدیر عامل می خواهد تا شرکت جدیدی به نام هانسون تاسیس کرده و حسابی نیز به نام آن شرکت افتتاح کند. بعد از این روسو از طریق همین حساب بانکی مبلغ رشو را به کارمند پرداخت می کرد. در واقع پرداخت رشو بدین ترتیب بود که پول از طریق ویزا کارت طلایی که توسط بانک گاردین صادر شده بود از حساب شرکت هانسون برداشت می شد. بعد از آن مقامات جزیره

کایمان در سال ۱۹۹۵ بانک و تراست گاردین را تعطیل کردند و یک سال بعد مدیر عامل این بانک و تراست نیز آنجا را ترک و برای زندگی به امریکا رفت.

۴. مطالعه موردی در خصوص مخفی کردن دارایی ها از طلبکاران و شاکیان

- پرونده آلن بوند

کیس زیر در خصوص استفاده از شرکت ها و تراست های مختلف به منظور مخفی کردن پول از طلبکاران می باشد. در سال ۱۹۹۰ آلن بوند میلیارد سابق استرالیایی با بدهی حدود ۴۷۰ میلیون دلار استرالیا اعلام ورشکستگی کرد. شرکت سهامی خاص بوند با نام شرکت دولاهولد و نیز شرکت سهامی عام با نام شرکت هلدینگ بوند با میلیون ها دلار ضرر و زیان در حال از بین رفتن بودند. علیرغم اظهارات آقای بوند به این که هیچ گونه اموال و دارایی در خارج از کشور ندارد. مقامات استرالیایی به این شخص مظنون شدند که میلیون ها دلار پول نقد و نیز اموال و دارایی های دیگری را با استفاده از شرکت های پوششی و تراست ها از طلبکاران مخفی کرده است. در اواخر دهه هفتاد میلادی، آقای بوند از طریق مشاور حقوقی خود یک شرکت نساجی با نام پیانولا تاسیس کرد. مالک این شرکت تراستی به نام جونپرنام داشت که مقامات اطمینان داشتند که ذی نفع واقعی آن همان آقای بوند است. امین اولیه و اصلی تراست جونپیر، وال بروک نام داشت تراستی که توسط یک شرکت حسابداران تاسیس شده بود تا توسط مشتریان گوناگونی از جمله بوند مورد استفاده قرار بگیرد. بعد از آن شرکت اس ای به عنوان تراست جونپیر جایگزین شرکت وال بروک می شود. شرکت اس ای سهام شرکتی به نام کریک هلدینگ را نگهداری می کرد. سهام بی نام در شرکت کریک هلدینگ به شرکت جرسی انتقال یافت و به یکی از دوستان بانکدار سوئسی بوند به نام بولاگ وکالت داده شد، وکالتنامه به او این اختیار را می داد تا بدون ثبت سهام یا بدون نیاز به انتخاب شدن به عنوان مدیر عامل یا مسئول حقوقی شرکت، کنترل تام و کاملی بر شرکت داشته باشد. شرکت هلدینگ کریک به عنوان کانالی برای نقل و انتقال میلیون ها دلار پول بین بوند و شرکت های او مورد استفاده قرار می گیرد. بعد از آن میزان زیادی از پول های دریافت شده توسط شرکت کریک هلدینگ به حساب بانکی شرکتی به نام جونپو در سوئیس به صورت الکترونیکی انتقال می یابد، شرکت پانامایی که توسط بولاگ بانکدار سوئسی تاسیس شده بود که اطمینان می رفت مالک ذی نفع آن آقای بوند باشد. شرکت های مذکور علاوه بر اینکه به عنوان کانالی برای انتقال پول مورد استفاده قرار می گرفتند، اموال و دارایی ها، اسب ها و اشیاء زینتی گرانقیمت را نیز نگهداری می کردند. بوند خودش مستقیماً وارد هیچ یک از تراکنش ها و معاملات نمی شد و از بولاگ برای پاسخگویی به درخواست هایش استفاده می کرد. در پایان طلبکاران بوند تصفیه حساب ۱۰ میلیون دلاری را پذیرفتند. طبق قانون استرالیا اعلام ورشکستگی باطل و تلاش های بیشتری در زمینه تحقیق و ردیابی در خصوص اموال صورت گرفت.

۵. مطالعه موردی در زمینه تخلفات و فرار مالیاتی

- استفاده از شرکت ها برای فرار مالیاتی

در یک طرح بسیار پیچیده و ماهرانه موسسان از مشتریان خود می خواهند تا تجارت های خود از جمله درآمدهای بدست آمده طی یک سال را به تراست ها یا شرکت اداره کننده اموال انتقال دهند و سپس یک تراست با نام مدیر عامل در یک شرکت خارجی

ایجاد کنند. تمامی درآمد به دست آمده از تجارت های منتقل شده به یک شرکت اداره کننده اموال به یک تراست خارجی انتقال یافت. امین تراست شرکت اداره کننده اموال است. سپس مالکان ذی نفع یا موسسان به افراد آموزش می دهند تا دوباره یک تراست خارجی در یک شرکت برون مرزی ایجاد کنند. تراست خارجی اول امین تراست خارجی دوم است و گواهینامه های ذی نفع واقعی برای تراست خارجی اول یا دیگر خارجیان صادر می شود توسط پرداخت کنندگان مالیاتی کنترل می شود. در این زمان بنا به گفته موسسان و ذی نفعان در آمدهای انتقال یافته به تراست خارجی دوم، در حال حاضر خارج از حوزه مالیاتی امریکا قرار دارند. ذی نفعان اظهار داشتند که تازمانی که منشاء درآمد و ذی نفع آن خارجی است نیاز به رعایت الزامات بازگرداندن مالیات به کشور امریکا وجود ندارد.

- صادرات به روسیه و فاکتور صادرات دوگانه (دوفاکتور)

به تازگی مقامات اتحادیه اروپا و روسیه از میزان گسترش استفاده از فاکتورهای دوگانه به منظور فرار مالیاتی از مقامات گمرکی روسیه ابراز نگرانی کرده اند. کیس زیر در خصوص استفاده از دو فاکتور می باشد. بدین ترتیب که ابتدا در کشور صادر کننده یک فاکتور قانونی به مقامات گمرکی نشان داده می شود و سپس یک فاکتور جعلی دیگر که حدود دو تا سه برابر پایین تر از قیمت واقعی کالا است به مقامات گمرکی روسیه ارائه می شود. کالایی که می خواهد به روسیه صادر شود ابتدا به یک یا چند شرکت پوششی منتقل می شود تا بدین وسیله مستندات آن از بین برود. آخرین شرکت از این شرکت ها فاکتور جعلی را برای ارائه به مقامات گمرکی روسیه تهیه می کند. زمانی که کالاها از گمرک ترخیص شدند به سرعت از طریق شرکت های پوششی مختلفی تخلیه و بارگیری می شوند. قصد از انجام این مراحل دشوار کردن شناسایی مقصد و مبدا کالاها می باشد. این طرح به شدت مورتوجه واردکنندگان و صادرکنندگان می باشد. شرکت های صادر کننده ای که نیروی کار زیادی دارند و یا هزینه های بالایی دارند این فرصت را پیدا می کنند تا با نرخ های اغوا کننده در روسیه رقابت کنند همزمان با آن که شرکت های وارد کننده هزینه های گمرکی یا مالیات را پرداخت نمی کنند.

۶. مطالعه موردی در زمینه تغییر شکل دارایی ها و کلاهبرداری

- روسیه، فرار سرمایه

برخی از سرمایه هایی که به صورت غیر قانونی به خارج از روسیه برده می شوند دوباره در قالب سرمایه گذاری خارجی به روسیه بازگردانده می شوند. تعداد زیادی از شرکت هایی که در روسیه سرمایه گذاری می کنند با شرکت های خارجی متحد شده اند به ویژه قبرس. در سال ۱۹۹۶ و سه ماه دوم سال ۱۹۹۹ چهارمین سرمایه گذار در روسیه قبرس بود، کشوری با ۷۵۰۰۰۰ نفر جمعیت و در سال ۱۹۹۶ لیختنشتاین یک شاهزاده نشین کوچک ۳۱۰۰۰۰ در مقام نهم قرار داشت.

- پرونده ساگاز

در مارس ۱۹۹۸، گابریل ساگاز رئیس قبلی یک شرکت واردات، متهم به همدستی و کلاهبرداری برای اعمالی است که بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۶ اتفاق افتاده است. ساگاز و برخی از همکاران او بیش از ۱۳ میلیون دلار را به صورت مستقیم از شرک اختلاس کرده و ۲ میلیون دلار را از محل فاکتور های جعلی که توسط فروشندگانی در خارج از کشور صادر می شد به دست آوردند. شرکت ساگاز

فاکتورهای جعلی را قبول می کند و به فروشندگان پول را پرداخت می کرد و فروشندگان نیز چکی در وجه شرکت کاغذی یا پوسته ای که توسط ساگاز و همکارانش اداره می شود صادر می کرد.

۷. مطالعه موردی در زمینه دور زدن قانون وعدم اجرای الزامات افشاء و اظهار

- پرونده سیترون (شرکت سرمایه گذاری گلیتر)

در مارس ۱۹۹۹ کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا حکم بازداشتی بر علیه شرکت گلیتر، شرکتی ایرلندی که با آدر سهایی در ایرلند، جرسی و جزیره مان، دریافت کرد. در دادخواست آمده بود که شرکت گلیتر و هفت سازمان دیگر (مؤسسات خارجی) در توزیع بی نام سهام عادی دو شرکت به نام سیترون و الکترونیک ترانسفر مشارکت داشته اند. دو شرکت مذکور توسط فردی به نام پیتر توستو اداره می شدند. شرکت فورترس یک شرکت مشاوره ای است که از ادغام شش موسسه خارجی در جزیره مان تشکیل شده است. به نظر می رسد این مؤسسات خارجی، سهامی را دریافت می کنند که شامل تعداد زیادی از سهام های معوقه و پرداخت نشده شرکت های سیترون و ترانسفر دریافت می کند. در ژانویه ۱۹۹۹ به دنبال تجارت سنگینی که مؤسسات خارجی انجام دادند سهام این دو شرکت (سیترون و ترانسفر) افزایش قیمت بسیار چشمگیری پیدا کرد. کمیسیون بورس و اوراق بهادار آمریکا از دستیار دادستان کل جزیره مان می خواهد تا اطلاعاتی از جمله رکوردهای بانکی مؤسسات خارجی که در این جزیره تاسیس شده اند کسب کند. دستیار دادستان نیز با مدارک و مستندات متعددی از جمله مدارک مربوط به تاسیس شرکت فورترس را در اختیار کمیسیون بورس و اوراق بهادار قرار داد. مدارک و مستندات زیر باعث شد که ارتباط توستو با مؤسسات خارجی که در جزیره مان تاسیس شده اند به دنبال آن ارتباط با توزیع سهام دو شرکت سیترون و ترانسفر کشف شود. دادگاه حکمی بر علیه شرکت گلیتر صادر و اموال این شرکت را ضبط کرد.